رونمایی پوستر جشنواره ملی شعر کودک

پوستر پنجمین جشنواره ملی شعر کودک ایران رونمایی شد. این جشنواره با دبیری مصطفی رحماندوست در شاهین‌شهر اصفهان برگزار خواهد شد. این دوره از جشنواره هم مانند ۴ دوره قبلی با همکاری شهرداری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران و اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان برگزار خواهد شد.

نسخه‌های خطی زکریای رازی در موزه ملک

در آستانه روز بزرگداشت محمدبن زکریای رازی و روز داروسازی (۵ شهریور) مجموعه نسخه‌های خطی از آثار این فیلسوف، طبیب و شیمی‌دان مشهور در موزه ملی ملک معرفی و تصاویر این اسناد در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. موزه ملک در خیابان امام‌خمینی(ره)، خیابان سی‌تیر، خیابان یارجانی، خیابان ملل متحد قرار دارد.

صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

قصه‌های کهن

شمس‌المعالی و عضدالدوله

فخرالدوله از دست برادر خود عضدالدوله گریخت و به درگاه شمس‌المعالی پناهنده شد. شمس‌المعالی او را پناه داد و به او بسیار محبت کرد. پس عضدالدوله کسی را نزد شمس‌المعالی فرستاد. فرستاده، نامه را به شمس‌المعالی داد و گفت: «عضدالدوله بسیار سلام می‌رساند و می‌گوید که برادرم اینجاست. می‌دانی که ما دوست صمیمی یکدیگریم. پس به‌پاس این دوستی، برادرم را که دشمن من است به نزدم بفرست. من نیز به پاداش این عمل هر ناحیه‌ای که دلخواه توست به تو می‌دهم. اگر هم او را همانجا زهر دهی چه بهتر.»
امیر شمس‌المعالی گفت: «پناه بر خدا. چرا او پنداشته من دست به چنین کاری می‌زنم؛ کاری که تا قیامت مایه بدنامی من است.» فرستاده گفت: «ای امیر، برای رعایت فخرالدوله به عضدالدوله پشت نکن چون او تو را از برادر بیشتر دوست دارد. او هنگامی که داشت مرا به‌سوی تو می‌فرستاد در میان سخن گفت خدا می‌داند که من امیر شمس‌المعالی را چقدر دوست دارم، آنقدر که وقتی شنیدم فلان روز شمس‌المعالی در گرمابه پایش لغزید و افتاد من به‌شدت نگران شدم و با خود گفتم مگر امیر در ۴۰ سالگی به پیری رسیده و توانش کم شده است.» مقصود فرستاده عضدالدوله این بود که یعنی «بدان که پادشاه من از جزئیات احوال تو باخبر است.» و این، تعلیم عضدالدوله بود. شمس‌المعالی در پاسخ گفت: «عمرش دراز باد. از دلسوزی و محبت او قدردانی می‌کنم، اما تو نیز او را از غمخواری‌ام آگاه کن: او فلان روز در فلان‌جا شراب خورد و فلان‌جا خوابید و با فلان غلام و کنیزکان خود همنشین شد. پس از این کارها وقتی که داشت از نردبان پایین می‌آمد پایش لغزید و افتاد. من نگران حالش شدم و با خود گفتم، مگر او در ۴۲ سالگی عقلش کم شده؟ چرا مردی ۴۲ ساله باید شراب بخورد و نتواند از نردبان پایین بیاید و...» شمس‌المعالی با این سخنان به فرستاده عضدالدوله فهماند که از جزئیات کارهای عضدالدوله خبر دارد.

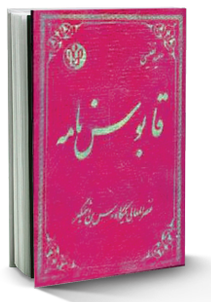

قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاوس‌بن اسکندر

شاهنامه، کتاب مرگ‌آگاهی است

گفت‌وگو با یوسفعلی میرشکاک، شاعر در برنامه «صد» تلویزیون همشهری

گفت‌وگو

علی‌الله سلیمی | روزنامه‌نگار | شاعر، نویسنده و نقاش و خیلی چیزهای دیگر و متولد سال ۱۳۳۸ در شوش دانیال است؛ شخصیتی که سخت می‌شود در موردش بی‌تفاوت بود. برای همین است که هم مرید و هوادار سفت و سخت زیاد دارد و هم دشمن و مخالف دوآتشه و تصویری که در بیرون از او مشاهده می‌شود با آن چیزی که خودش است، خیلی تفاوت دارد؛ یوسفعلی میرشکاک.

چرا یوسفعلی چرا میرشکاک؟

مادربزرگم پسری به نام یوسف داشت که در ۵سالگی از دست رفت. هنگامی که از پسرش فرزند اول به دنیا آمد و خودش هم ماما بود، گفت: خداوند یوسفم را گرفت و پسرم یوسفم را به من برگرداند. پدربزرگ یعنی کربلایی علی گفت برای اینکه دوباره نبرندش یک علی به نامش اضافه کنید. میرشکاک هم باید میرشکار می‌بود. آن اوایل اداره آمار کسانی را استخدام می‌کرد که فکر می‌کردند سواد یعنی خوشنویسی و شکسته‌نویسی و یک‌جوری «ر» را نوشته بود که «کاف» بوده و نه «ر». خانواده عمویم میرشکار هستند و ما میرشکاک. این اشتباه اداره آمار {ثبت احوال} بود که میرشکاک شد.

شغل؟

علاف؛ نه کارمند جایی هستم و نه شغلی دارم و همینطور دیمی زندگی می‌کنیم تا چه شود. اگر شعر و شاعری شغل به‌حساب می‌آید، می‌شود شاعر ولی علافی است آقا.

همه مشاغلی که داشته‌اید؟

بنایی، لوله‌کشی در بیابان، سیمان‌کاری، نقاشی ساختمان، ماشین‌شویی و بعد هم شاعری و در فلان روزنامه و بهمان نشریه و از این گرفتاری‌ها، ولی شغل ثابت نداشتم. در شاعری هم شغل ثابت نداشتم. با اینکه شغل نیست و مشغولیت است، نشد که بگویند طرف شاعر است. شاعر کسی است که وقتی دزد به خانه‌اش می‌زند دست‌کم ۶۰ تا سکه گیرش بیاید.

اولین کتابی که خودتان خریدید؟

دبیرستانی بودم و کتاب «دیدار در فلک» منوچهر آتشی بود.

اولین فیلمی که در سینما دیدید؟

خیلی کوچک بودم و دایی‌هایم در شهر زندگی می‌کردند و من خواهرزاده‌شان بودم و با یکی از آنها که سینمابرو بود و برایم عزیز است، نخستین فیلمی را که یادم هست با ایشان رفتیم «سلطان قلب‌ها» بود و همه آنهایی که اهل سینما هستند می‌شناسند؛ فیلمی با بازی فردین.

با چند انگشت تایپ می‌کنی؟

با ۲ انگشت که برای شعر یک انگشت هم زیاد است.

چندبار شاهنامه را خوانده‌اید؟

۴ بار از اول تا آخر خوانده‌ام. برخی تکه‌ها را اینقدر خوانده‌ام که برای تدریس خصوصی و اینها. می‌شود گفت از شاهنامه مرا انداختند بیرون.

مثنوی معنوی را چندبار؟

مثنوی معنوی را هم یک‌بار و نیم بیشتر نخواندم. برخی قسمت‌ها را بسیار خواندم، ولی بار آخر رفتم و وسط کار دیدم یکجورهایی با مولانا آب‌مان به یک جوی نمی‌رود.

بهترین دوست سینمایی‌تان کیست؟

مارلون براندوی مستضعفان یعنی علی معلم بود.

بهترین دوست سیاستمدار‌تان کیست؟

دوستان سیاستمدار داشتم ولی خدا بیامرزدشان. چون من و سیاست امکان ندارد با هم کنار بیاییم. در سیاست یا باید تابع باشید یا متبوع و دیدم نمی‌توانم متبوع باشم و باید تابع باشم و رها کردم.

چرا اینقدر در سیاست دخالت می‌کردید؟

عدالت‌گرا بودم و این حماقت در من رسوب کرده بود که امکان تحقق عدل هست ولی دیدم نه و فهمیدم اشتباه کردم.

مواضع سیاسی شما متناقض است؟

بله، چون سیاست از اساس تناقض دارد. سیاست اصلا جنس‌اش این است. در مشرق‌زمین سیاست جواب نمی‌دهد، چون افواه شریک دین و سیاست و اقتصاد هستند.

سازمان مجاهدین خلق؟

مشرکین خلق. دودوزه باز بودند.

کارگزاران؟

راست بازی کند، آینده از آن کارگزاران است.

هنرمندان بعد از انقلاب در کدام هنرها توفیق داشتند؟

اینجا مملکت شعر است. لاجرم شعرا نفر اول شدند.

بهترین جلوه عشق در شعر فارسی؟

غزلیات عراقی که خیلی در حقش ستم شد، چون مؤسس بود و مؤسس‌ها یک روز فراموش می‌شوند. بعدش سعدی و حافظ و مولانا آمدند و او فِید شد. بنده‌خدا جگرش کباب شد.

بهترین تصویر مرگ در شعر فارسی؟

شاهنامه فردوسی که با مرگ و شهادت سیامک شروع می‌شود و با مرگ یزدگرد به پایان می‌رسد. ورق به ورق یا جنگ است یا شهادت یا مرگ و هیچ مرگی هم در آن عادی نیست. شاهنامه کتاب مرگ‌آگاهی است.

عکس: همشهری/ حامد خورشیدی

پیشنهاد کتاب

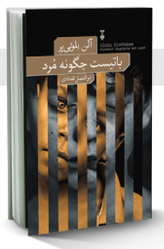

باتیست چگونه مرد

زندگی میان تروریست‌ها

باتیست، پسرکی که گروه بوکوحرام خانواده‌اش را ربوده‌اند با زندگی در میان تروریست‌ها هویت خود را از دست داده و حتی دیگر رضایت نمی‌دهد که او را با اسم واقعی‌اش صدا بزنند. باتیست اتفاقات رخ داده را به یاد ندارد، شوکه است، حافظه از دست رفته‌اش اندک‌اندک بازمی‌گردد، به‌تدریج رازهای هولناکی برایش فاش می‌شود و...
«باتیست چگونه مرد» رمانی است درباره شر و جنبه‌های فریبنده آن. نویسنده در این اثر خشونت بی‌نهایت را با نهایت زیبایی شاعرانه درهم آمیخته است. «باتیست چگونه مرد» در سال ۲۰۱۶ برنده جوایز متعددی ازجمله جایزه معتبر دسامبر شد.
آلن بلوتی یر، نویسنده رمان «باتیست چگونه مرد» متولد ۱۹۵۴ در نویی سورسن است و در فرانسه و مصر روزگار می‌گذراند. او نویسنده چند رمان، سفرنامه و جستار است و در نوشته‌هایش علاقه بسیاری به خلق شخصیت‌های کودک و نوجوان دارد. بلوتی یر به دوران تاریخی خاصی چون قرون وسطی، قرن نوزدهم و جنگ دوم جهانی علاقه‌مند است و رمان‌هایش در مصر، جزایر سوندا و صحرای بزرگ آفریقا می‌گذرد. او درباره این رمان می‌گوید: «فکر این رمان در ذهنم بود و آن را قبل از حملات انتحاری ژانویه ۲۰۱۵ فرانسه نوشتم. ماجرای این کتاب از ناکجا نمی‌آید. از رویدادی کاملا واقعی الهام گرفته شده است. در فوریه ۲۰۱۳، تروریست‌های بوکوحرام خانواده‌ای فرانسوی را که بچه‌هایشان نیز همراهشان بودند در شمال کامرون دزدیدند. همین مسئله من را به فکر نوشتن «باتیست چگونه مرد» انداخت. آن خانواده پس از ۲ ماه صحیح و سالم آزاد شدند.»
در متن داستان، باتیست تنها عضو خانواده ربوده شده است که پیدا و داستان با نوعی بازجویی آغاز می‌شود: «فردی که می‌تواند روانشناس یا مأمور امنیتی باشد به‌دنبال این است که بداند چه اتفاقی افتاده و چرا آدم‌ربایها فقط او را آزاد کرده‌اند. اما پسرک همه‌چیز را به یاد ندارد، شوکه است و حافظه‌اش اندک اندک بازمی‌گردد.» این رمان ۲۰۴ صفحه‌ای را نشر نو با ترجمه ابوالفضل الله‌دادی منتشر کرده است.

کِلِک

«سنت آنتوان» یکی از فقیرترین محله‌های پاریس بود. در این محله کودکان صورت و صدای اندوهناک پیرمردان را داشتند. گویی گرسنگی بر چهره هر مرد و زنی نقش بسته بود. در دکان‌ها فقط بدترین تکه‌های گوشت و زبرترین قرص‌های نان به‌دست می‌آمد. در خیابان‌ها غیر از دکان‌هایی که در آنها ابزار و اسلحه به فروش می‌رسید، هیچ چیز درخشانی به چشم نمی‌خورد.

داستان دو شهر، چارلز دیکنز
ترجمه: مینو مشیری

در بیابان به شوق کعبه

کاروان‌های ایرانی برای سفر به مکه و زیارت کعبه در دوره قاجار بیش از ۴۰ روز و گاه تا نزدیک به ۲ ماه سفرشان از ایران تا شبه‌جزیره عربستان با اسب و شتر طول می‌کشید.
زائران ایرانی موسم حج را بیش از ۱۳۰۰ سال به همین شیوه بجا می‌آوردند و از مسیر عراق تا مکه و مدینه را سوار بر اسب و شتر می‌پیمودند. این تصویر را آفلرد هینکن، عکاس و شرق‌شناس آلمانی حدود ۱۰۰ سال قبل در دوره قاجار از یکی از کاروان‌های ایرانی عازم سفر حج گرفته است.
هینکن هیچ جزئیاتی غیر از عنوان کاروان ایرانی عازم سفر حج و سال گرفتن این تصویر که مربوط به سال ۱۹۱۰ است، ثبت نکرده و مشخص نیست این کاروان از کدام شهر ایران به زیارت حج رفته است.
زائران ایرانی سفرحج معمولا روزهای دشوار و خطرناکی را در سفر می‌گذراندند و با حمله راهزنان و حیوانات وحشی بین راه مواجه می‌شدند و گاه نیز از شدت خستگی، تشنگی و گرسنگی در مسیر جان می‌باختند.

عکس تاریخی

زیر ذره‌بین

واژه‌یابی

کلماتی که از زبان فارسی به زبان‌های دیگر صادر شده‌اند کم نیستند. در ادامه سراغ چند کلمه انگلیسی رفتیم که ریشه‌ای فارسی دارند؛ کلماتی که از ایران به آن سوی مرزها رفته‌اند و برگشته‌اند و حالا خودمان هم باور نمی‌کنیم که خاستگاهشان روزی از همین زبان فارسی خودمان بوده است.

Sugar/شکر
واژه شکر در زبان فارسی از زبان سنسکریت ریشه گرفته و بعدها از زبان فارسی به عربی به صورت «سکر» و از عربی به زبان‌های اروپایی و بعد به زبان انگلیسی راه پیدا کرده است.

Orange/نارنج
این کلمه که در زبان انگلیسی معنی پرتقال و رنگ نارنجی می‌دهد، قبل از اینکه به این زبان راه پیدا کند از کلمه نارنج در عربی و نارنگ یا همان نارنگی خودمان در فارسی گرفته شده و ریشه آن در زبان سنسکریت است.

جدول اعداد | ۵۱۲۱

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

		۶	۱		۹	۵		
۳								۲
	۷		۸		۳		۹	
۸			۶	۱	۵			۹
		۴				۷		
۵			۹	۷	۴			۸
	۳		۴		۱		۸	
۶								۱
		۱	۵		۷	۲		

متوسط

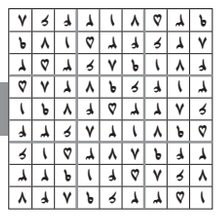

سخت

		۹			۱			۷
۶					۸	۵		
	۳			۴				
			۴					۶
	۸						۱	
۲					۷			
				۹			۳	
		۲	۶					۹
۱			۵			۷		

متوسط

	۵		۲				۴	
		۸			۱			۳
	۴	۹	۸					۶
	۹	۷						
۶								۱
						۲	۸	
۴					۶	۳	۵	
۸			۴			۱		
	۳				۲		۶	

ساده

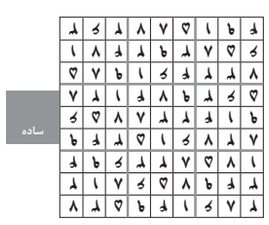

سخت

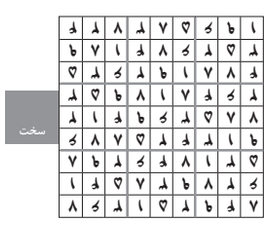

جدول ۹۴۷۳

افقی:
۱- حمله نظامی- شیرینی سنتی و سوغات مراغه- نوعی بیماری اختلال رشدی
۲- سرزمین- آبیار- گلی به شکل جام
۳- قهوه‌ای روشن- به‌دست‌آوردنی
۴- آسانی- سرنیزه- فلز سرچشمه
۵- فیلم کمدی درام ایتالیایی به کارگردانی جوزپه تورناتوره- دانش و آگاهی- مرتبه اجتماعی
۶- گرم نیست- دلواپس- ناممکن
۷- عنصر مؤثر در تنظیم فعالیت‌های بدن- ادب آموختن- یار عروس
۸- راه اصلی اتصال به اینترنت- رموز- رسوم
۹- گل انار- تغییر و دگرگونی- قطره
۱۰- تر و تازه- دارای حرکت کسره- آغوز
۱۱- نادانی- مقاوم و پرطاقت- برجسته و برآمده
۱۲- رب‌النوع خورشید در مصر باستان- کوشا- هدف
۱۳- لقب یونس نبی(ع) که هفت روز در شکم ماهی بود- با چیزی ور رفتن
۱۴- وسیله بنایی- ایوان عبرت- شاخه باریک درخت
۱۵- فیلمی ساخته کیومرث پوراحمد- اداره دارایی قدیم- آقای آلمانی

عمودی:
۱- تاب و توان- خندان- درخت عرب- رنگ موی فوری
۲- شیرینی سوغات کرمانشاه- رمانی به قلم هرتا مولر، بانوی نویسنده آلمانی زبان
۳- بی‌میل و رغبت- اسب حضرت علی(ع)- سرپرست
۴- ظلمت- خواهش- نادان
۵- قادر- سال پر باران
۶- زیبا- گذرگاه، معبر- هدایت کننده
۷- حرف پیروزی- درس دادن- بسته‌شده
۸- خوشخوان- کاشف میکروب سل- نکویش جاودان ماند
۹- تکیه روی یک حرف در زبان‌شناسی- حامله- حرف انتخاب
۱۰- شنا کردن- بی‌حیا- نوعی طرح لباس زنانه
۱۱- سامانه‌ای در سیستم بانکی برای انتقال پول- بیماری اختلال عمل کبد
۱۲- چاق- از جهات اربعه- سربند مردان سیستانی
۱۳- امر به یافتن- بهشت ارم را بنا نهاد- مهر خورده
۱۴- از محلات تاریخی رشت که آرامگاه میرزا کوچک‌خان را در خود جای داده است- اثر چربی
۱۵- ماه کارگری- از مذاهب اسلام- ظرف بزرگ برای نگهداری مایعات- اسب قهوه‌ای

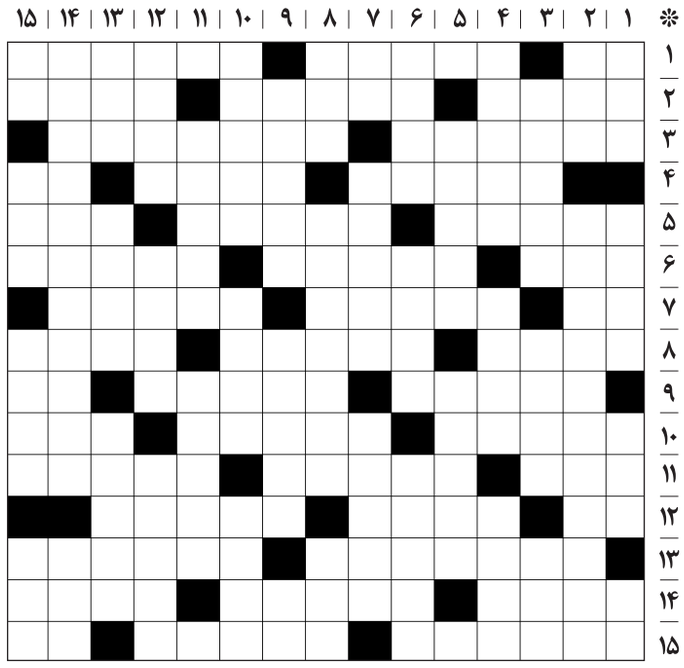
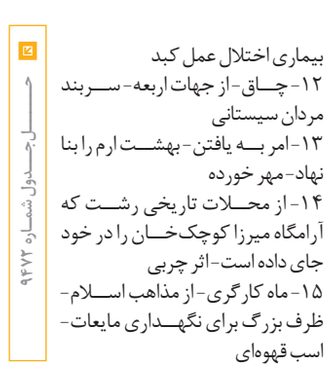
حل جدول شماره ۹۴۷۲